Archive of SID.ir

فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب - مقاله پژوهشی - سال نهم - شماره سوم - زمستان ۱۴۰۰: ۳۳-۱
dx.doi.org/10.22091/csiw.2022.7494.2169

Alternative to Incarceration for Women in the Criminal Justice systems of Iran and Western Countries: With an Approach to Islamic Jurisprudence

Ruhollah Akrami[1]
Narges Mohammadian[2]

Received: 20/10/2021; Accepted: 18/01/2022

Abstract

Use of imprisonment as an important sanction in dealing with delinquency in the criminal policy of different countries has not been very successful and this has led to the tendency of legislative and judicial authorities to use its alternatives. Why and how to restrict imprisonment for women is one of the issues that has occupied the minds of thinkers and policymakers at the national and international levels. Research suggests a double necessity using alternatives to incarceration for this group of convicts because their personality and behavior often do not pose a significant danger to others to make their imprisonment necessary. In addition, the punishment of imprisonment not only causes the occurrence and spread of mental illnesses and increases self-harm among them in prison environments that are primarily male in nature, and in practice cannot help their rehabilitation, but also incarceration will increase the risk of delinquency in them and even their children, both inside and outside the prison. Therefore, in the present article which is done by a descriptive-analytical method, it would be clear that the capacity and experience of penal systems both in our country and in the West have shown that alternatives such as self-regulatory penalties, community services and financial penalties, if used accurately and appropriately, can prevent further harm to this important segment of society while preventing the recurrence of crime. A view that is quite consistent with the minimalist approach of Islam in dealing with imprisonment.

KeyWords: Imprisonment, Alternative to incarceration, Elimination of imprisonment, Punishment of female offenders, Criminal justice system

1 Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: r.akrami@qom.ac.ir
2 MA Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

روح‌الله اکرمی [1]
نرگس محمدیان [2]

تاریخ‌دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۲۸ - تاریخ‌پذیرش ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

چکیده

استفاده از حبس به‌عنوان یک ضمانت اجرای مهم در برخورد با بزهکاری در سیاست کیفری کشورهای مختلف با موفقیت چندانی همراه نبوده و همین امر سبب گرایش مراجع تقنینی و قضایی به استفاده از جایگزین های آن شده است. چرایی و چگونگیِ تحدید حبس نسبت به زنان از مسائلی است که ذهن اندیشمندان و سیاست گذاران را در سطوح ملی و بین الملل به خود معطوف داشته است. تحقیقات حکایت از ضرورت مضاعف به کارگیری جایگزین های حبس برای این دسته از محکومان دارد زیرا شخصیت و رفتار ایشان غالباً خطر چندانی برای دیگران ندارد که حبس آنها را مدلل سازد. افزون بر آن که کیفر حبس نه تنها به بروز و شیوع بیماری های روانی و افزایش خودآزاری میان آنها در محیط های زندانی می انجامد که اصولاً ساختاری مردانه داشته و در عمل نمی‌توانند چندان به بازپروری ایشان کمک کنند، بلکه حبس موجب تشدید خطر بزهکاری در ایشان و حتی فرزندان آن‌ها، چه در محیط زندان و چه خارج از آن خواهد شد. از این‌رو، در نوشتار حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام یافته است، مشخص می شود ظرفیت و تجربه نظام های کیفری چه در کشور ما و چه در غرب نشان داده که جایگزین‌هایی مانند ضمانت اجراهای خودتنظیمی، خدمات عام‌المنفعه و کیفرهای مالی، چنانچه به‌طور دقیق و مناسب به کار گرفته شوند، می توانند ضمن پیشگیری از تکرار جرم، از ایراد آسیب بیشتر به این قشر مهم جامعه جلوگیری نمایند. نگاهی که با رویکرد کمینه اسلام در رویارویی با مجازات حبس نیز کاملاً سازگار است.

کلیدواژه‌ها: حبس، جایگزین حبس، حبس زدایی، مجازات زنان بزهکار، نظام عدالت کیفری.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: r.akrami@qom.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب - مقاله پژوهشی - سال هشتم - شماره سوم - زمستان ۱۴۰۰: ۱-۳۳
dx.doi.org/10.22091/csiw.2022.7494.2169

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

در گذشته حبس نه به عنوان مجازات، بلکه به عنوان اقدامی جهت در دسترس‌پذیریِ متهمان برای محاکمه‌ی ایشان و نیز تمهید زمینه‌ی پرداخت طلب دائنین در نظر گرفته می‌شد. استثنائاً از قرن سیزدهم میلادی حبس به مثابه‌ی یک کیفر به رسمیت شناخته شد لکن قلمروی آن به جرایم معینی محدود بود، تا این‌که در طول قرن هجدهم به‌طور گسترده وارد قوانین شده و از آن در جهت طرد بزهکاران استفاده شد (Hallevy, 2013: 149). رویکرد مزبور که ناشی از ترویج اندیشه‌ی سزادهیِ مکاتب کلاسیک و به ویژه نئوکلاسیک و نگاه بازدارنگیِ تحققی‌ها بود که عینیت‌دهیِ به اهداف مورد نظر خود را در توسل به حبس می‌دیدند، نه تنها امنیت جامعه را نتوانست تضمین نماید بلکه به افزایش بزهکاری انجامید. تحقیقات جرم‌شناختی و کیفرشناختی نشان داد پس از اینکه حبس به عنوان اصلی‌ترین مجازات به زرادخانه کیفری تزریق شد و آزادی تن، به عنوان عمده‌ترین حق، مشمول محدودیت قرار گرفت، به مرور آثار سوء آن در تنافی با اهداف پیش‌گفته، نه تنها در عدم توفیق در اصلاح و بازپروری زندانیان پدیدار شد بلکه به طرد بیشتر مجرم از جامعه و مؤانستِ بیش از پیشِ وی به محیط مجرمانه انجامیده است. جرم‌زایی محیط زندان، هزینه اقتصادی اداره‌ی آن، چالش‌های مادی و روانی برای زندانیان و خانواده‌های آنها موجب بروز انتقادات شدیدی گردید تا جایی که حتی موافقان را نیز به تجدیدنظر واداشت. با وجود این‌که تلاش‌های فراوانی برای بهبود وضعیت زندان‌ها صورت گرفت، تحقق اصلاح و درمان به عنوان یکی از اهداف اصلی اجرای مجازات نسبت به بزهکاران، به ویژه برخی طیف‌های آنها و مشخصاً زنان، با تردیدهای جدی روبه‌رو شد. (آشوری، ۱۳۹۴، ص ۳۸) به‌طور نمونه آمارها در ایالات متحده نشان می‌دهد تقریباً یک سوم زنانی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

که از حبس آزاد می‌شوند ظرف سه سال به بازداشت‌گاه یا زندان بازمی‌گردند (Stanton, Kako and Sawin, 2016: 299).

در همین راستا آرای نظریه‌پردازانِ مکتب دفاع اجتماعی در کنارِ ایده‌های نوین ناشی از تجارب میدانیِ مطرح در اندیشه‌ی جرم‌شناسیِ واکنش اجتماعی دست به دست هم موجب تحدید حبس به ویژه از قرن نوزدهم میلادی (Hallevy, 2013: 150) و ظهور نهاد جایگزین‌های حبس در نظام‌های عدالت جزایی در کشورهای مختلف شدند. این چرخشِ جهت‌گیریِ نظام‌های کیفری از سیاست سزادهی و طرد مجرم به سمت سیاست اصلاح و درمان از طریق حفظ و نگهداری بزهکاران در جامعه و تحت نگهداری قرار دادن آنها تلاش دارد تا ضمن احتراز از انزوا و تقویت انگیزه‌های ضد اجتماعی در ایشان، زمینه بازپروری و آماده‌سازی بزهکاران را برای آشتی دوباره با هنجارهای اجتماعی فراهم سازد. اجرا و عینیت‌بخشیِ به چنین راهبردی موجب ارتقای کارآمدی و در عین حال عقلانی-سازی و کرامت‌مداری در پاسخ‌های نظام عدالت کیفری خواهد شد.

در کشور ما، اندیشه‌ی فقهیِ حصر تعزیر در کیفر تازیانه، که از سوی برخی نهادهای تصمیم‌ساز در اوایل انقلاب پذیرفته شده بود، موجب ورود و توسعه‌ی شلاق در قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ گردید (رهامی، ۱۳۸۲: ۳۶-۳۵)، اما به مرور این نگاه افراطی تعدیل شده و این مرتبه در قانون خلف در سال ۱۳۷۵، کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، کیفر شلاق در جرایم تقریباً به نصف تقلیل یافت اما در عوض دویست و سیزده مورد کیفر حبس در این قانون معین شد که در این میان در صد و هفتاد مورد جنبه‌ی مجازات اصلی داشته که در صد و چهل مورد به عنوان کیفر انحصاری جرم تعیین شده بود (غلامی و افضلیان، ۱۳۸۹: ۱۵۱). تجربه اجرای قانون اخیر، شکست آموزه‌ی وارداتیِ استفاده‌ی حداکثری از مجازات زندان را نشان داد و موجب شد از دو دهه‌ی پیش در سیاست‌گذاری‌های کلان بر لزوم حرکت در مسیر تحدید و جایگزینیِ آن تأکید جدی صورت گیرد، به نحوی که در سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی مقام رهبری موضوع بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی در ادوار مختلف بر این مسئله تصریح شد. تأکید بند (۱۴) سیاست‌های کلی ناظر بر امنیت قضایی در سال ۱۳۸۱ بر «کاهش استفاده از مجازات

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

زندان»، تصریح بند (۱۲) سیاست کلی قضایی پنج ساله در سال ۱۳۸۸ به «اتخاذ تدابیر لازم در استفاده از مجازات زندان با رویکرد حبس زدایی»، الزام بند (۶۴) سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله ششم توسعه در سال ۱۳۹۴ بر «بازنگری در قوانین جزایی به‌منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر» مؤید چنین مطلبی است. زمینه‌ی عملیاتی شدنِ این تحول مهم با وضع آخرین کد مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ فراهم شد به نحوی‌که مشخصاً فصل نهم از بخش مجازات‌های کتاب کلیات این مجموعه، مواد (۶۴) تا (۸۷)، به مجازات‌های جایگزین حبس، اختصاص یافت. مجازات‌هایی چون خدمات عمومی رایگان، دوره مراقبت و جزای نقدی روزانه که در کنار جایگزین‌های سنتی نظیر تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط، و برخی نهادهای جایگزین تازه تأسیس دیگر چون تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و نظارت الکترونیکی بستر مناسبی برای تحدید و جایگزینی حبس را فراهم نموده‌اند. متعاقباً اصلاحات کد ۱۳۹۲ از طریق تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ به بسط و توسعه‌ی بیش از پیش جایگزین‌ها پرداخت.

تحولات موصوف در کشور ما همانند دیگر کشورها زمینه‌ی اصلاح سیستم عدالت کیفری را در جهت استفاده از جایگزین‌های حبس به ویژه نسبت به اقشار آسیب‌پذیرتر نظیر زنان فراهم نموده است چرا که وضعیت و شرایط آنها به گونه‌ای است که محدودسازیِ کیفر حبس نسبت به ایشان و ضرورت به‌کارگیری جایگزین‌های زندان برای آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.۱

۱ گفتنی است در مورد جایگزین‌های حبس برای زنان تحقیق مستقلی به زبان فارسی صورت نگرفته، و تتبع انجام شده نشان می‌دهد در این زمینه مقاله‌ای را آقای حسن طغرانگار در ماهنامه اصلاح و تربیت در سال ۱۳۸۷ منتشر نموده‌اند که قطع‌نظر از این‌که این مطالعه پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، که متضمن شناسایی مستقل جایگزین‌های حبس بوده، انجام گرفته است، از این حیث که نگاه تطبیقی نداشته و به طور جامع مبانی توجیه جایگزینی حبس برای این قشر را مورد بررسی قرار نداده، لذا ضرورت پژوهش‌های حاضر همچنان احساس می‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی تلاش شده این مسأله را از منظر نظام عدالت کیفری کشورمان و سیستم‌های غربی مورد مطالعه قرار دهیم. به این منظور در ابتدا مبانی لزوم به‌کارگیری جایگزین‌های حبس را بررسی و در قسمت دوم امکان کاربست برخی از جایگزین‌ها را نسبت به زنان در این سیستم‌ها مطالعه و در نهایت نگاه فقه اسلامی را در مورد جایگزینی حبس برای زنان مورد اشاره قرار خواهیم داد.

۱. جهات ضرورت تحدید حبس برای زنان بزهکار

عوامل متعددی وجود دارد که بالا بودن آثار سوء زندان نسبت به زنان و آسیب‌پذیریِ بالای ایشان را به‌طور مشخص نشان می‌دهد. همین مسأله سبب شده تا محققین و اندیشمندان در کشورهای مختلف با مطالعه ابعاد ناظر بر آسیب‌پذیری زنان زندانی، به ارائه پیشنهاداتی به منظور هدایت تصمیم‌سازان در نظام‌های حقوقی به سمت کاهش میزان حبس زنان و استفاده از جایگزین‌های آن بپردازند. در گزارش کورستون۱ بر این حقیقت تصریح شده که دلایل محکمی وجود دارد که زندان برای زنان نتایج معکوسی به دنبال داشته و به‌طور کلی بر خلاف مصالح عمومی است(Corston, 2007: 49). در این راستا برخی از مهم‌ترین عواملی که آسیب‌پذیری محکومان زن را در قبال اجرای حبس نشان می‌دهد را تبیین می‌نماییم.

۱-۱. کم خطر بودنِ زنان بزهکار برای جامعه

مطالعات جرم‌شناسی نشان می‌دهد زنان اولاً بسیار کمتر مرتکب جرم می‌شوند و این داده را همه‌ی آمارهای موجود تأیید نموده‌اند (Carlen and Worrall, 2004: 120)، ثانیاً آنها عمدتاً مرتکب جرایم غیر خشونت‌آمیز شده و در مقایسه با مردان خطر کمتری برای

---

۱ به دنبال مرگ شش زن در یک بازه سیزده ماهه در زندان بسته‌ای در چشر انگلیس (HM Prison Styal) که مخصوص زنان بود، وزیر کشور می‌خواهد در این زمینه تحقیق شود و خانم جین کورستون (Jean Ann Corston)، وکیل و سیاست‌مدارِ عضو مجلس اعیان، در این زمینه مأموریت می‌یابد که در این زمینه تحقیق نماید، او با مشارکت دویست و پنجاه نفر مأموریت را انجام و یافته‌های خود را در گزارش نهایی با عنوان بررسی زنان با آسیب‌پذیری‌های خاص در نظام عدالت کیفری در سال ۲۰۰۷ منتشر می‌نماید.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دیگران دارند (De Cou., 2013: 97). در گزارش کورستون تأکید شده که داده‌ها نه تنها مؤید آن هستند زنان زندانی خطر کمی برای جامعه به دنبال دارند بلکه اتفاقاً بسیاری از ایشان خطر بیشتری برای خود دارند به نحوی‌که آنها بیشتر به عنوان "گرفتارِ مشکل"[1] تا "مشکل‌ساز"[2] قلمداد می‌شوند (Corston, 2007: 16).

باری از آنجا که از مهم‌ترین کارکردهای زندان، دفاع از جامعه از طریق دور نگه داشتنِ مجرمان دارای حالت خطرناک است، طبعاً یافته‌های مطرح نشان از دست‌کم معتنابه نبودن چنین کارکردی در ارتباط با بسیاری از زنان بزهکار دارد که به‌تبع می‌تواند سببی در جهت تحدید اجرای حبس نسبت به ایشان و با قطع‌نظر از دیگر اهداف چنین مجازاتی باشد؛ چه به باور برخی تجویز حبس تنها در جایی توجیه‌پذیر است که به وسیله‌ی آن یا مجرم بسیار خطرناکی از جامعه کنار گذاشته شود و یا بنای بر مجازات به جهت ارتکاب جرم شریرانه‌ی خاصی باشد (Carlen, 1990: 13)، که این ملاحظات در مورد اغلب بزهکاران زن حسب داده‌های جرم‌شناختی صدق نمی‌نماید، از این‌رو بر حبس‌زدایی در مورد ایشان توصیه شده است (Albrecht, 2012: 56-57).

۱-۲. شیوع اختلالات روان در میان زنان زندانی

تحقیقات متعدد گستردگی اختلالات و مشکلات روانی را در بین زنان زندانی نشان می‌دهند. در تحقیقی که در سال ۲۰۰۶ در سائوپائولو برزیل انجام شد، مشخص گردید ۲۵/۵ درصد از زنان زندانی دارای اختلالات روانی شدید بودند که علت آن را باید هم در عواملی مربوط به گذشته و هم شرایط زندان دانست (Audi et al., 2018: 3953). در تحقیق دیگری ضمن تأیید شیوع اختلالات روانی قابل توجه در میان زنان زندانی، این نتیجه حاصل شده اغلب زنان مبتلای به چنین اختلالاتی، به جهت جرایم غیر خشونت‌آمیز دستگیر شده‌اند (Teplin et al., 1996: 505).

پژوهش‌ها در مورد چرایی بروز چنین اختلالاتی عوامل مختلفی را نشان داده‌اند که برخی از آنها را باید در مصادیق مطرح در بندهای آتی نظیر تناسب کمتر محیط‌های زندان

1. Troubled
2. Troublesome

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با شرایط زنان تصویر نمود. یکی از این عوامل در نحوه برخوردی است که پرسنل زندان نسبت به زندانیانِ زن روا می‌دارند. بنا بر مطالعه‌ای، به‌طور دائم زنانِ زندانی هم با خصوصیت جامعه‌پذیر و هم بدون آن، هم دارای شخصیت زنانه و هم بدون آن، هم فرد بزرگسال و رشد یافته و هم کودک و خام تعریف می‌شوند. به عبارت دیگر هر چند کارکنان زندان، زنان را غالباً افرادی غیراجتماعی، فاقد شخصیت زنانه و با منش کودکانه توصیف می‌نمایند، همین موضوع موجب تحریک آن دسته از رفتارها در ایشان می‌شود که تربیت انضباطی زندان چنین رفتارهایی را محکوم می‌کند. در مجموع این تحقیقات بیان می‌دارند در حالی‌که شعار متصدیان زندان مردان ممکن است «تربیت و مجازات» باشد، اما شعار ناظرین بر زندان زنان «تربیت، درمان، رام‌سازی، روان‌درمانی و نوزاد پروری» است (Carlen and Worrall, 2004: 83). در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در حوزه خشونت علیه زنان که در چارچوب قطعنامه ۶۵/۱۸۷ مجمع عمومی تهیه و از سوی دبیر کل سازمان ملل در آگوست ۲۰۱۳ به این مجمع ارائه شده بود ضمن تأکید بر مشکلات روحیِ زنان زندانی، تصریح شده بود چنین مشکلاتی هم می‌تواند علت و هم نتیجه‌ی حبس باشند. خدمات ناکافی مراقبت‌های بهداشتی، ازدحام بیش از حد و عدم ایمنی در برابر سوءاستفاده عواملی هستند که می‌توانند در زندان چنین مشکلاتی را برای ایشان تشدید کنند (Pathways to, conditions and consequences of incarceration for women., 2013: Para. 48).

۱-۳. بالا بودن نرخ خودآزاری زنان زندانی

از دیگر چالش‌های مهم زنان زندانی به معضل رواج خودآزاری میان آنها بر می‌گردد. مطالعات میدانی در بسیاری از کشورها بر صحت این مسأله دلالت دارند. تحقیقی که بین ژانویه سال ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ در زندان‌های انگلستان و ولز انجام شده بود نشان می‌دهد که ۱۳۹۱۹۵ حادثه خودآزاری در میان ۲۶۵۱۰ فرد زندانی در این بازه زمانی ثبت شده که از این تعداد میزان خودآزاری در زندانیانِ زن بیش از ده برابر مردان بوده است. حسب این مطالعه بر خلاف زندانیان مرد که سالیانه صرفاً ۵ تا ۶ درصد از آنها مرتکب خودآزاری می‌شوند، این آمار در مورد زنان به ۲۰ تا ۲۴ درصد افزایش می‌یابد، یعنی حدوداً بین یک-

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

چهارم تا یک‌پنجم آن‌ها در معرض این مشکل هستند، وخامت این امر جایی آشکارتر می‌شود که توجه شود در حالی‌که تنها پنج درصد زندانیان در انگلستان و ولز را زنان تشکیل می‌دادند اما پنجاه درصد خودآزاری‌های ثبت شده به آن‌ها اختصاص داشته است. حسب یافته‌های این مطالعه تکرار خودآزاری میان زنان و دختران نوجوان رایج بوده است. در قسمتی از این بررسی اشاره شده آمار خودکشی در بیان چنین زندانیانی بیش از دیگران بوده است (Hawton et al., 2014: 1147). در تحقیق دیگری که در سال ۲۰۱۷ در سطح بین‌المللی و در بیست و چهار کشور انجام شده بود مشخص گردید زنان زندانی نه برابر در مقایسه با جمعیت عمومی زنان در جامعه، در معرض خطر مرگ ناشی از خودکشی هستند (Fazel, Ramesh and Hawton, 2017: 951).

نکته‌ی مهم‌تر این‌که مطالعات جرم‌شناختی نشان می‌دهد زنان در خارج از محیط زندان کمتر از مردان به رفتارهای خشونت‌آمیز و خودکشی اقدام می‌کنند (Kottler, Smith and Bartlett, 2018: 619)؛ این بدین معنا است که رابطه‌ی مستقیمی میان افزایش ریسک خودآزاری و خودکشی زنان و زندانی شدنِ آنها برقرار است. خودآزاری در میان زندانیانِ زن به‌طور مداوم با سوءمصرف مواد، اضطراب، افسردگی، استرس شخصی و مشکلات عزت نفس مرتبط است که در محیط زندان در معرض آن قرار می‌گیرند که حسب تحقیقات به منظور خودتنبیهی، جلب توجه، رهایی از احساسات دردناک، به دست آوردنِ کنترل زندگی و واکنش در برابر شریک متعدی صورت می‌گیرد (Corabian, Appell and Wormith, 2013: 4-5).

۱-۴. تناسب کمتر محیط‌های زندان رایج برای زنان

از دیگر مشکلات مطرح در تحقیقات انجام شده در مورد آثار سوء حبس بر زنان به عدم تناسب ساختار زندان‌های رایج با شرایط و اقتضائات ایشان بر می‌گردد. طراحی زندان‌ها در بسیاری از کشورها، که با وضعیت مردان سازگاری بیشتر دارد، به گونه‌ای است که حریم خصوصی زنان را به شکل گسترده‌تری در معرض تعرض قرار می‌دهد. سلول‌های انفرادی و نیز حبس به دور از دیگران یا همراه با محدودیت‌های فیزیکی نیز در خیلی از زندان‌ها به جهت ناسازگاری با روحیات و خلق و خوی زنان می‌تواند در تشدید آثار حبس

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بر آنها مؤثر واقع شود (De Cou., 2013: 98; Carlen, 1990: 16). مردانه بودن ساختار زندان در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در حوزه خشونت علیه زنان نیز مورد تذکار قرار گرفته بود (Pathways to, conditions and consequences of incarceration for women., 2013: Para. 33). یکی از مهم‌ترین مسائل زندان که تأثیر بسیار سوئی بر زنان بر جا می‌گذارد موضوع بازرسی‌های بدنی به ویژه از طریق برهنه-سازی[1] و قرار گرفتن تحت پایش‌های درون زندان است که به واسطه‌ی ایجاد احساس تخطی کارکنان زندان از اجرای مجازات مشروع نسبت به خود از سوی زنان زندانی، به آنها حس تحقیر دست می‌دهد (Carlen and Worrall, 2004: 86).

۱-۵. بازدهیِ پایین کارکرد بازپروری زندان نسبت به زنان

تعمق در عوامل پیش‌گفته چه از جهت نحوه‌ی برخورد کارکنان زندان با زنان و چه مشکلات و شرایط روحی زنانِ زندانی که در اثر شرایط محیطی برای آنها به وجود می‌آید گویای این حقیقت است که امکان اصلاح و بازپروری آنها به شدت کاهش می‌یابد. بنابر مطالعات انجام شده ترس خورنده‌ای که در زندان برای زنان رخ می‌دهد به تنزلِ اعتماد به نفس و عزت نفس در ایشان می‌انجامد، ترسی که از عوامل متعدد نشأت می‌گیرد.

زنان، بر خلاف مردان، در بیرونِ زندان کمتر کسی را دارند که از خانه و خانواده‌ی آنها مراقبت کند و به‌علاوه تعداد کم‌تر و نحوه‌ی پراکندگی جغرافیایی زندان‌های زنان چه بسا موجب دوری بیشتر ایشان از خانه و خانواده شود و به این سبب ملاقات آنها نیز دشوارتر گردد، چه حسب مطالعه‌ای در کانادا مشخص شده که به‌رغم وجود چهل و دو زندان فدرال برای مردان در این کشور، تا اواسط دهه ۱۹۹۰ تنها یک زندان فدرال برای زنان اختصاص داده شده بود (Faith, 1999: 99-100). از این‌رو از آنجا که خانه و فرزندان به عنوان تمام زندگی بسیاری از زنان تعریف می‌شود به نحوی‌که گرفتن آنها از ایشان، در شرایطی که همه‌ی دارایی آنها را شکل می‌بخشند، صدمه‌ی بسیار بزرگی به ایشان وارد می‌کند لذا زندان می‌تواند به از دست رفتنِ این سرمایه‌ها منجر شود. این مسأله

1. Strip search

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خود از عوامل ناکامیِ تحقق هدف بازپروری و اصلاح زندان نسبت به این قشر می‌شود. افزون بر آن‌که بسیاری از زنان به جهت داشتن سوابق آزار، قربانی محسوب می‌شوند که همین امر برخورد متعادل‌تری با آنها را ایجاب می‌نماید (Corston, 2007: 17)، برخوردی که در بسیاری از زندان‌ها مشاهده نمی‌شود. مجموع این جهات به بروز احساساتی در زنان زندانی منجر می‌شود که در واکنش به چنین شرایطی با شکل دادنِ به یک فرهنگ زندان در برابر برنامه‌های بازپروری مقاومت نمایند (Carlen and Worrall, 2004: 102).

همین واکنش متمایز زنان به اجرای کیفر حبس بوده که در گزارش کورستون (Corston, 2007: 16-17) به این شکل نتیجه‌گیری شده که تفاوت‌های زنان با مردان موجب می‌شود برخورد مشابه با آنها به نتایج همسانی نینجامد. زندانی کردنِ زنان در مقایسه با مردان، آثاری متفاوت‌تر و البته نامناسب‌تر بر ایشان بر جای می‌گذارد، بنابراین نمی‌توان آثار بازپروارنه‌ی زندان نسبت به مردان را عیناً در خصوص زنان نیز صادق دانست.

۱-۶. برخورد نامناسب جامعه با زنان زندانی

تضیق نسبی اکثر سیستم‌های زندان زنان در مقایسه با مردان از عوامل تأثیرگذاری است که تحقیقات از ترتب آثار متعددی برای آن حکایت دارند. زنان زندانی معمولاً برای عامه-ی مردم نامریی و نامحسوس هستند، همین امر موجب می‌شود غالباً نیازهای آنها نادیده گرفته شود. به علاوه همین امر زمینه‌ساز این طرز تلقی نادرست در جامعه می‌شود که چون تعداد نسبتاً کمی از زنان به زندان می‌روند، زنان زندانی لزوماً مرتکب جرایم بسیار جدی شده‌اند. افزون بر آن زندانیانِ زن تمایل دارند در فواصل دورتری از محل زندگی خود زندانی شوند. دامنه‌ی رژیم‌ها و فعالیت‌های آموزشیِ آنها به جهت شرایط زندان برای زنان محدودتر می‌شود. امکان بازپروری و جذب زن زندانی به آغوش جامعه پس از آزادی دشوارتر است زیرا در مقایسه با مردان چه بسا رنج ناشی از برچسب مجرمانه‌ای که تحمل می‌کنند شدیدتر است، این عمدتاً ناشی از آن است که یک مردِ محکوم صرفاً به عنوان یک شهروندِ بد شناخته می‌شود، در شرایطی که به‌طور سنتی زنان مجرم به عنوان افرادی غیرطبیعی شناخته می‌شوند؛ یک زن زندانی احتمالاً هم به عنوان شهروندی بد و هم یک

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

زنِ بد تصور می‌شود که نه فقط به حکومت، که به زنانگیِ خود هم تعرض کرده است (Carlen and Worrall, 2004: 82-83). در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد آمده که در برخی موارد، خانواده ها ترجیح می‌دهند از ملاقات با بستگان خود در زندان خودداری کنند. این امر به ویژه در فرهنگ‌هایی که زندانی شدن زنان را شرم‌آور می‌دانند صادق است. در برخی کشورها زندانیان زن به دلیل ترس، پس از آزادی درخواست کرده-اند در بازداشتگاه‌ها باقی بمانند (Pathways to, conditions and consequences of incarceration for women., 2013: Paras. 75 & 79).

در یکی از تحقیقات میدانی در کشور ما نیز نتیجه گرفته شده که بازگشت به جامعه و سازگاری با آن و قرارگرفتن در مسیر بازسازی تنها برای عده معدودی از زنان تقریباً هموار است اما برای بسیاری از آنها، بازسازی زندگی مسیری سست و ناهموار است که پس از خروج از زندان با چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای مواجه خواهد بود که گذشته از آسیب‌پذیر کردن آنها احتمالاً در بسیاری مواقع، این مشکلات به زندانی شدن مجددشان منجر می-شود. حسب این تحقیق اساسی‌ترین چالش‌های زندگی زنان، پس از رهایی از زندان این موارد هستند: شیوه پذیرش و اتصال به خانواده، بازخوردهای زندان و روابط اجتماعی، سرزنش و تحقیر، احساس تنهایی، احساس محرومیت و عقب‌ماندگی، از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی، داغ ننگ و سوءسابقه، کنترل و همچنین نظارت مضاعف. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد از جمله مهم‌ترین چالش‌های زنان پس از رهایی، ترس از نپذیرفتن خانواده و جدایی از شبکه‌های خانوادگی است که معمولاً در روزهای پایانیِ حبس تشدید می‌شود زیرا زنان زندانی می‌دانند که به دلیل طرد خانواده، احتمالاً با مشکلات مالی و معیشتی و همچنین، مشکل در پیداکردن محل سکونت روبه‌رو خواهند شد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۴۶-۴۷).

۱-۷. آثار سوء زندانی شدن زنان بر فرزندان

هر چند به‌طور کلی حبس یک فرد بر خانواده و نزدیکان او تأثیرگذار است لکن در برخی حالات آثار این موضوع به شکل جدی‌تری محسوس است. از بارزترین چنین حالاتی زندانی شدن زنانی است که دارای فرزندان خردسال یا در حال رشد هستند که

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اتفاقاً در اغلب کشورها آمار قابل توجهی از زنان زندانی را چنین مادرانی تشکیل داده‌اند. در برخی مطالعات گذشته در ایالات متحده نشان داده شده که هفتاد و هشت درصد از زنان در زندان‌های ایالتی فرزندانی دارند که اکثر آنها زیر سن قانونی هستند (Agosín, 2002: 71). در آخرین نظرسنجی‌ها در این کشور، در سال ۲۰۱۶ اداره آمار دادگستری ۵۷/۷۰۰ مادرِ دارای کودک خردسال در زندان‌های فدرال و ایالتی را شناسایی (Maruschak, Bronson and Alper, 2021: 1)، که طبق گزارش این اداره آمار مادران بازداشتی هم در سال ۲۰۱۹ به هشتاد و هشت درصد کل جمعیت زنانِ تحتِ بازداشت بالغ می‌شود (Zeng and Minton, 2021: 5). حبس چنین مادرانی موجب می‌شود فرزندان آنها بیشتر در معرض خطر و بی‌توجهی قرار گیرند. مطابق گزارش کمیسیون جوانان ویرجینا در سال ۱۹۹۳ چنین فرزندانی غالباً با کاهش عزت نفس و انگیزه پیشرفت، اضطراب، رشد ضعیف وجدان، روابط ضعیف با هم‌سالان، سازگاری اجتماعیِ پایین‌تر، افسردگی، بزهکاری، پرخاشگری، سوءمصرف مواد مخدر و دیگر مشکلات و اختلالات درگیر می‌شوند. یکی از هر ده نفر تا هنگام بلوغ خود را در زندان می‌بینند (Lund et al., 2002: 273). بنا بر برخی پژوهش‌های دیگر کودکانی که والدین آنها زندانی هستند، شش برابر بیشتر از هم‌سالانشان درگیر بزهکاری و حبس در طول زندگی خود هستند (Gonzalez, Romero and Cerbana, 2007: 358).

در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد بر تناقض‌گونگیِ این نکته تأکید شده که زندان‌ها مکان امنی برای زنان باردار، نوزادان و کودکان خردسال نیستند، لکن جدا کردن نوزادان و کودکان خردسال از مادرشان نیز توصیه نمی‌شود. یک گزارش در مورد هند بیان می‌کند بسیاری از کودکان متولد شده در زندان تا سن چهار تا پنج سالگی هرگز زندگی عادی خانوادگی را تجربه نکرده‌اند. الگوی اجتماعی شدن کودکان به دلیل ماندن در زندان به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تنها تصویری که آن‌ها از یک چهره اقتدار مردانه دارند، تصویر پلیس و مسئولان زندان است. آنها از مفهوم "خانه" بی‌اطلاع هستند. مناظری مانند حیوانات در جاده‌ها این کودکان را به دلیل عدم قرار گرفتن در معرض دنیای بیرون

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌ترساند (Pathways to, conditions and consequences of incarceration for women., 2013: Paras. 56 & 76).

اهمیت دور نگه‌داشتنِ زنان باردار یا دارای فرزند خردسال از زندان در اسناد بین‌المللی متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. در هشتمین کنگره سازمان ملل متحد پیرامون پیشگیری از جرم و برخورد با مجرمان مقرر شده بود «استفاده از مجازات حبس برای دسته‌ی خاصی از مجرمان، مانند زنان باردار یا مادران دارای نوزاد یا فرزندان خردسال، باید محدود شود و تلاش ویژه‌ای برای جلوگیری از استفاده گسترده از حبس به عنوان مجازاتی برای این دسته از زندانیان انجام شود» (Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, 1990: 164). منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک مصوب ۱۹۹۹ نیز بر ضرورت تعهد کشورهای عضو بر حصول اطمینان از تقدم‌دهیِ به مجازات‌هایی به جز حبس در هنگام محکوم کردن چنین مادرانی، و وضع و ترویج جایگزین‌های حبس برای ایشان تأکید نموده است (African Charter on the Rights of the Child, 1999: Art. 30). شورای اروپا در توصیه‌نامه ۱۴۶۹ در سال ۲۰۰۰ بر توسعه و به‌کارگیری مجازات‌های جامعوی و احتراز از کیفر حبس برای زنانِ دارای فرزند خردسال تأکید می‌نماید؛ در این سند تأکید شده مجازات زندان باید به عنوان آخرین راه‌کار نسبت به زنان باردار و دارای فرزند خردسال و صرفاً در حالت ارتکاب جرایم شدید و داشتن خطر برای جامعه مورد حکم قرار گیرد و در این راستا دستورالعمل‌های مناسبی برای دادگاه‌ها صادر شود (The Council of Europe, Parliamentary Assembly Recommendation 1469 (2000), on Mothers and babies in prison: 2000). شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه ۱۰/۲ در سال ۲۰۰۹ نسبت به زنان سرپرست کودک، با رعایت شدت جرم و مصالح کودک، به اتخاذ تدابیر غیر سالب آزادی تأکید می‌نماید. قاعده (۶۴) از قواعد بانکوک نیز بر لزوم اولویت‌دهیِ به ضمانت‌اجراهای غیر سالب آزادی برای چنین افرادی تا حد امکان و اقتضاء تصریح دارد (The Bangkok Rules: 2010).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲. نهادهای مناسب جایگزین حبس برای زنان بزهکار در نظام‌های عدالت کیفری ایران و غرب

مجموع عوامل و جهات پیش‌گفته که در تحقیقات و بررسی‌ها مدلل گشته‌اند سبب شده تا چه در سطح ملی و چه بین‌المللی جایگزین‌های حبس برای زنان مورد اهتمام خاص قرار گیرد.

در قطعنامه شماره ۶۵/۲۲۹ مجمع عمومی در دسامبر سال ۲۰۱۰ که در راستای تصویب قواعد بانکوک (قوانین سازمان ملل متحد برای رفتار با زنان زندانی و اقدامات غیرحبس برای زنان متخلف) بود، بر اولویت‌دهیِ به تدابیر جایگزین حبس برای زنان با توجه به اقتضائات جنسیتیِ آنها تأکید شده است. حسب قاعده (۵۸) از این مجموعه قواعد، زنان مجرم نباید بدون توجه به پیشینه و روابط خانوادگی خود از خانواده و اجتماع جدا شوند. تدابیر جایگزین برای مدیریت زنانِ بزهکار مانند تدابیر قضازدایی و جایگزین‌های پیش از محاکمه و مجازات، باید هر جا که مناسب و ممکن باشد اجرا شوند. مطابق قاعده (۶۱) نیز بر ضرورت شناسایی جایگزین‌های حبس مناسب با زنان در کشورها تصریح شده است (The Bangkok Rules: 2010).

دادگاه‌ها نیز در اغلب نظام‌های عدالت کیفریِ ملی تلاش نموده‌اند با استفاده از ضوابط قانونی بر تحقق این جایگزینی توجه نمایند. در قانون مجازات اسلامی کشور ما قانونگذار طی ماده (۶۴) بر لزوم توجه دادگاه به وضعیت و شخصیت مجرم در تعیین جایگزین‌های حبس تأکید دارد. جنسیت یکی از مؤلفه‌هایی است که در این بستر می‌تواند به مثابه‌ی عاملی تأثیرگذار در جایگزینی حبس توسط دادگاه مورد استناد قرار گیرد. علاوه بر آن در ماده موصوف مقنن صدور حکم به مجازات جایگزین را مشروط بر وجود جهات تخفیف دانسته است که به نظر با ملاحظه مفاد بند (ث) ماده (۳۸) که «وضع خاص متهم» را به عنوان یکی از کیفیات تخفیف‌دهنده در نظر گرفته است می‌توان گفت نفسِ زن، و افزون بر آن مادر بودن می‌تواند در زمره‌ی مصادیق چنین حالتی قلمداد شوند تا اختیار دادگاه‌ها در صدور چنین احکامی با مانع چندانی روبرو نشود، چرا که مواردی مانند «کهولت یا بیماری» جنبه‌ی تمثیلی داشته و در واقع ملاک موجود در آنها که همانا آسیب‌پذیریِ ایشان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌باشد در مورد زنان نیز صدق می‌نماید، به‌ویژه آن‌گاه که در معرض کیفری چون حبس قرار گیرند. در نظام حقوقی انگلیس نیز برخی مقررات امکان حکم به جایگزین‌های حبس را برای زنان فراهم نموده‌اند. به‌طور نمونه ماده (۱۷۸) قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ زمینه‌ی اصدار حکم به مجازات‌های اجتماع‌مدار را برای دادگاه‌ها به عنوان جایگزین حبس مهیا نموده، و همین ظرفیت توسط مراجع قضایی مانند مرکز نوآورانه عدالت اجتماعی لیورپول، به عنوان یک دادگاه حل مسأله، در مورد زنان مورد استناد قرار می‌گیرد (Corston, 2007: 8 & 54).

در ادامه تعدادی از جایگزین‌های حبس و امکان‌سنجیِ آنها نسبت به زنان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱. واکنش‌های متضمن خود تنظیمی

حسب تحقیقات انجام شده توسل به اقدامات یا مجازات‌هایی که زمینه‌ی خودتنظیم-گری[1] را در بزهکارانِ زن فراهم می‌نماید می‌تواند در بسیاری موارد از دیگر ضمانت-اجراهای کیفری مؤثرتر عمل نمایند؛ تدابیری مانند تذکر و توبیخ از سوی پلیس یا مرجع قضایی، تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازاتی که شخص را متعهد به اصلاح در رفتارش نماید، آزادی مشروطی که مجرم را به رعایت برخی تعهدات در جهت پیشگیری از تکرار جرم وا می‌دارد. توبیخ و تقبیح یک شهروند شرافتمندی که خطری برای جامعه نداشته، به اندازه کافی جهت شرمساری و بازگرداندنِ او به دامان جامعه کفایت می‌کند. زنان عمدتاً مجرمیتِ خود را پذیرفته و با عذرخواهی تلاش می‌کنند دیگر خطاکاری را تکرار نکنند. از این‌رو ایشان بیش از مردان در معرض مجازات‌های خود تنظیم‌گرانه قرار می‌گیرند که برای آنها مناسب‌تر تشخیص داده می‌شود (Carlen and Worrall, 2004: 133-134). مطالعه برخورد نظام‌های عدالت کیفری در بسیاری از کشورها هم نشان می-دهد این رویکرد در رویه‌های جاری در آنها مشهود است. چنین برخوردی هم در قالب

1. Self-regulatory penalties

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیش‌بینیِ برخی تدابیر در قالب قضازدایی و هم در چارچوب صدور حکم قضایی قابل تصور است.

در شکل نخست مداخله زودهنگام و برنامه‌های قضازدایی یکی از اصول بنیادین جایگزین‌های حبس برای زنان مجرم تلقی می‌شوند که عمدتاً برای زنان دارای مشکلات سلامت روان، درگیر در مصرف مواد مخدر یا زنان مسن‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند و نحوه‌ی اجرای آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. برنامه دادگاه شانس دوم برای ورود مجدد زنان[1] در کالیفرنیای امریکا در زمره‌ی چنین مصادیقی است که در سال ۲۰۰۷ در لس آنجلس راه‌اندازی شد که برای زنانی طراحی شده که به جرم مستوجب حبس متهم شده و پس از ارزیابی دادگاه برای بازه‌ی زمانیِ دست‌کم شش ماهه به پروتوتایپ‌ها، مراکز درمانی مصرف مواد، فرستاده می‌شوند که این برنامه درمانی تقریباً هجده هزار دلار برای هر زن در سال هزینه دارد که به‌طور قابل توجهی کمتر از هزینه‌ی حبس یک‌ساله‌ی یک زن است. شواهد نشان می‌دهد این دادگاه در کاهش تکرار جرم برای مجرمان زن بسیار موفق بوده به نحوی‌که از دویست و نود و هفت زنی که از زمان تأسیس دادگاه وارد این فرآیند شده‌اند، تنها سی و پنج نفر به زندان بازگردانده شده‌اند. برنامه قضازدایی دادگاه کیفری زنان[2] نیویورک نیز از دیگر چنین سازوکارهایی است که در این ایالت اجرا می‌شود. در این راستا دادگاه‌های اجتماع‌محور مانند مرکز عدالت اجتماعی رد هوک در بروکلین یا مرکز تعیین مجازات جایگزین و خدمات اشتغالی با پشیبانی متخصصان نسبت به جرایم کم اهمیت در این زمینه خیلی خوب عمل نموده‌اند که طی آن ابتدا به زنان مشاوره‌ی آسیب‌محور و شخص‌محور ارائه می‌شود، سپس زنان خدمات کلینیکال را از روانپزشکِ مرکز دریافت نموده و آن‌گاه با بهره‌گیری از بهترین مدل عملی مشارکت همتایان، خدمات مربیگریِ همتا-متخصص ارائه می‌شود و در نهایت کارکنانِ برنامه به زنان برای دریافت خدمات تحصیلی، رفاه کودکان، خشونت خانگی، آموزش شغلی و نظائر آن

1. The Second Chance Women's Re-entry Court program
2. Criminal Court Women's Diversion Program (WDP)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کمک می‌کنند. در ایالت کوئینزلند استرالیا نیز برنامه قضازدایی دادگاه در شرایط خاص[1] که با مشارکت سازمان غیرانتفاعیِ محلیِ امکان قضازدایی را برای زنانِ در معرض بی-خانمانی‌ای که به جرایم جزیی متهم شده باشند و سابقه‌ی مصرف مواد یا مشکلات سلامت روان را داشته فراهم می‌کند. در این برنامه زنان به خدمات مناسب ارجاع داده می‌شوند و به این منظور که به حبس و جزای نقدی محکوم نشوند در بازسازگاریِ آنها تلاش می‌شود. گزارش سازمان (SIS) در سال ۲۰۱۱ موفقیت این طرح را نشان داده به نحوی‌که در طی یک دوره سه ساله، تنها چهار درصد از مشارکت‌کنندگان به جهت جرایم جدید زندانی شدند (Moshenska, 2013: 9-11).

افزون بر تدابیر قضازدایی و مداخلات پیشاحکمی که متضمن مشارکت‌دهیِ زنان بزهکار برای احتراز از محکومیت کیفری می‌باشند، برخی از واکنش‌های خودتنظیمی نیز در قالب صدور حکم و از طریق فرآیند قضایی صورت می‌گیرد. اقداماتی مانند اعطای آزادی مشروط یا تعلیق مراقبتی را باید در این عرصه دید. در تحقیقی در اوایل دهه ۱۹۹۰ در انگلیس مشخص شده محاکم ماجستریت بیش از دو برابر مردان، حکم به آزادی مشروط زنان صادر نموده‌اند به نحوی‌که بیش از یک پنجم آنها مشمول چنین نهادی قرار گرفته‌اند (Ashworth, 2015: 339). قاعده (۶۳) از قواعد بانکوک نیز بر ضرورت استفاده حداکثری از نهادهای پس از صدور حکم، مانند آزادی مشروط، که زمینه‌ی بازگشت مجدد زنان زندانی را به آغوش جامعه فراهم می‌نمایند تأکید می‌کند (The Bangkok Rules: 2010).

در کشور ما پس از مطرح شدن کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در سال ۱۳۷۵ به عنوان بخش اخیر الحاقی قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، شورای نگهبان در فرایند وضع این قانون، در قلمرو تعزیرات، تعیین کیفر معینی که قاضی را از تقلیل یا تبدیل آن به نوع مناسب‌تر باز دارد را خلاف شرع دانست لذا جهت رفع این اشکال، پیشنهاد اضافه کردن ماده‌ای را نمود که به قاضی اجازه داده شود به مجازات‌های متناسب دیگری به جز آنچه

1. Special Circumstances Court Diversion Program

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در قانون تعیین شده حکم کند. در این راستا ماده (۷۲۸) به این ترتیب تصویب شد که «قاضی دادگاه می‌تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات‌های تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید». نکته‌ی مهم آن است که قطع خدمات عمومی در این زمینه جنبه تمثیلی داشته و در پیشنهاد شورای نگهبان که مبنای وضع این مصوبه قرار گرفته بود، مواردی نیز مانند توبیخ، احضار و تذکر نیز آمده بود که در حقیقت همان‌گونه که برخی از حقوقدانان بیان داشته‌اند این ماده مبنای مشروعیت تعزیرات است که موجب توسعه اختیار قاضی کیفری در تخفیف یا تبدیل مجازات‌های تعزیری و حتی تعیین جایگزین‌های غیر کیفری و حتی اکتفا به توبیخ و تذکر در راستای تعیین واکنش مساعدِ مناسب‌تر به حال متهم می‌شود که بر سایر مقررات ناظر بر تعزیرات حاکم است (الهام، ۱۳۹۱: ۲۵ و ۳۷). ماده مزبور از چنان ظرفیتی برخوردار بود که دادرسان بتوانند حتی قبل از وضع مقررات قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، در مقام تعیین تعزیر به ضمانت‌اجراها و برخوردهای خودتنظیمی به عنوان جایگزین حبس برای زنان حکم دهند که این امر هم مقدم بر صدور حکم و بلکه برای احتراز از محکوم نمودنِ چنین افرادی، و هم در مقام صدور حکم به عنوان جایگزینی برای حبس مقرر در قانون برای بزه‌های ارتکابی از سوی زنان در دسترس بود بدون آن‌که رعایت شرایط محدودکننده قانونی برای چنین جایگزین‌هایی چون آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات لازم باشد. با وجود این در جریان تصویب قانون مجازات اسلامی کنونی، بدون آن که نسخ ماده موصوف در مصوبه‌ی کمیسیون مجلس که از نظارت شورای نگهبان گذشته بود، آمده باشد، در یکی از مراحل عودت مصوبه، کمیسیون بر نسخ این ماده نظر داده و در غفلت شورای نگهبان نسبت به اقدام فراقانونیِ کمیسیون این ماده از کتاب پنجم حذف شد (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۳). با وجود از دست رفتنِ این ظرفیت عام، همچنان در شرایط کنونی نیز در بسیاری از موارد با همان ضوابط قانونی ناظر بر نهادهایی چون معافیت از مجازات موضوع ماده (۳۹)، تعویق صدور حکم موضوع مواد (۴۰) به بعد، تعلیق اجرای مجازات موضوع مواد (۴۶) به بعد، نظام‌های نیمه‌آزادی و آزادی مشروط

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

موضوع مواد (۵۶) به بعد می‌توان در پرتو ضوابط قانونی ناظر بر چنین تدابیر خودتنظیم-گرانه‌ای در این قالب‌ها نسبت به زنان در معرض حبس حکم داد.

۲-۲. مجازات‌های مالی

از دیگر ضمانت‌اجراهای قابل تصور به عنوان جایگزین حبس جهت زنان بزهکار به کیفرهای مالی بر می‌گردد. برخی از محققان عدم استطاعت مالی زنان و امکان منتج شدن این وضعیت به زندانی شدنِ ایشان را از جهاتی می‌دانند که بر عدم تمایل نظام‌های عدالت کیفری بر صدور احکام جزای نقدی در مورد ایشان تأثیرگذار است (Carlen and Worrall, 2004: 135-136). اهمیت توجه به این موضوع به ویژه در کشورهایی که اصولاً زنان در فعالیت‌های اقتصادی و مشاغل درآمدزا حضور کم‌رنگ‌تری دارند، حائز اهمیت است.

با وجود این جزاهای نقدی روزانه که در بسیاری از سیستم‌ها وارد شده می‌تواند تا حدی مشکل مزبور را در مورد زنان تقلیل دهد. کیفر مزبور اغلب در آلمان و منطقه اسکاندیناوی برای جرایم با شدت پایین یا متوسط، هر چند خشونت‌آمیز، استفاده می‌شود (Tonry, 2017: 201). این مجازات در نظام کیفری ایالات متحده ابتدا در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۸۸ در جزیره استیتن آیلند ایالت نیویورک مطرح و سپس در شهر میلواکی ایالت ویسکانسین نیز اجرا شد لکن در عمل با موفقیت چندانی همراه نشده است (Tonry, 1999: 14-15). در حقوق کشور ما نیز مواد (۸۵) و (۸۶) قانون مجازات اسلامی جزای نقدی روزانه را به عنوان یکی از جایگزین‌های حبس مورد توجه قرار داده که حسب آن یک-هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم به عنوان جزای نقدیِ بدل از حبس اخذ می‌شود. در هر حال استفاده از ضمانت‌اجرای موصوف نسبت به زنانی که دادگاه امکان اجرای آن را نسبت به ایشان احراز نموده و مناسب تشخیص می‌دهد، از گزینه‌هایی است که می‌تواند مطمح‌نظر قرار گیرد.

۲-۳. خدمات عام‌المنفعه

از دیگر مهم‌ترین جایگزین‌های حبس الزام به انجام خدمات دارای منفعت عمومی است که اجرای آن نسبت به زنان با ملاحظاتی چند همراه است. هرچند از جهت نظری و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قانونی مانعی در انجام خدمات عمومی از سوی زنان وجود ندارد اما ابشان احساسات دوگانه‌ای در خصوص چنین محکومیت‌هایی دارند. تحقیقات نشان داده در الزام به انجام چنین خدماتی ناهماهنگی بیشتری برای زنان نسبت به مردان وجود دارد؛ هرچند دادگاه‌ها همیشه این ضمانت‌اجرا را به عنوان یک حکم کاملاً مناسب برای زنان تلقی می‌کنند اما باید توجه نمود انتخاب خدمتی که با شئون زنان سازگار بوده و از طرفی مانع حضور در جمع خانواده و فرزندان نباشد، باید به صورت جدی در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. برای مثال، در غرب استرالیا، یکی از برنامه‌های خدمات عام‌المنفعه به زنان امکان می‌دهد تا کیسه‌های بزرگ لباس‌های قدیمی را از یک نقطه مرکزی جمع‌آوری و به خانه ببرند تا دکمه‌ها و زیپ‌های آنها را باز کنند؛ این برنامه آنها را قادر می‌سازد تا در اوقاتی که خودشان انتخاب می‌کنند، در خانه کار را انجام داده و ساعات کاری خود را با کمترین اختلال ممکن در زندگی عادی به پایان برسانند (Carlen and Worrall, 2004: 142).

طلیعه‌ی نخستین برنامه‌های خدمات عام‌المنفعه‌ی مدرنِ رایج در ایالات متحده و برای جایگزینیِ حبس برای زنان محکوم به کلاهبرداری در امور رفاهی نمود یافت. این ایده به سرعت و با موفقیت در انگلستان و ولز، اسکاتلند و هلند نیز گرته‌برداری شد و بعداً در سراسر اروپا توسعه پیدا کرد (Tonry, 2017: 201-202). در حقوق کیفری فرانسه نیز بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات این کشور، کیفر خدمات عام‌المنفعه، تابع آیین‌نامه مربوط به کار شبانه، بهداشت، امنیت و کار زنان است. بر اساس این آیین‌نامه، میزان کار و عملکرد بانوان، تابع قانون کار است و توجه به ویژگی‌های جسمانی و خصوصیات روانی آنها باعث شده تا در اجرای این مجازات نسبت به زنان، ارفاق و تساهل بیشتری در نظر گرفته شود (Vargés,2005: 249).

در حقوق کشور ما قانون مجازات اسلامی خدمات عمومی رایگان را به عنوان یکی از بدیل‌های حبس مورد توجه قرار می‌دهد که در ماده (۷۹) ضوابط ناظر بر آن را به تصویب آیین‌نامه موکول می‌نماید. آیین نامه اجرایی ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۳ تصویب که در ماده (۶) بر تکلیف دادگاه به در نظر گرفتنِ صلاحیت علمی و اخلاقی، شخصیت، تخصص، مهارت، تجربیات و سن محکومین در تعیین خدمات عام-

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

المنفعه تصریح نموده که طبعاً می‌بایست وضعیت خاص جنس زن در این زمینه به‌طور ویژه ملحوظ نظر واقع شود. حسب ماده (۱۳) این آیین‌نامه نیز رعایت شرایط کار زنان، محافظت فنی، بهداشتی، ایمنی و ضوابط کارهای سخت و زیان‌آور در اجرای خدمات عمومی رایگان لازم است. البته نکته‌ی اخیر مسأله‌ای تکراری بوده که در تبصره (۲) ماده (۸۴) قانون مجازات اسلامی نیز مورد تصریح قرار گرفته بود.

۲-۴. نظارت الکترونیکی

نظارت الکترونیکی از دیگر جایگزین‌های حبس است که در سیستم‌های عدالت کیفری بسیاری از کشورها با اقبال روبه‌رو شده است. در انگلستان و ولز از دهه ۱۹۸۰ به صورت آزمایشی از این سازوکار استفاده می‌شده است. نظارت الکترونیکی علاوه بر کاستن از تورم جمعیت زندانی و هزینه‌های آن، بسیاری از محدودیت‌های زندان را بدون آثار سوء آن به محکومان تحمیل می‌نماید و از طرد شخص از جامعه و آثار برچسب زندانی تا حد زیادی می‌کاهد.

در کشور انگلیس در سال ۲۰۰۱ حدود چهارده هزار زندانی با حبس خانگی و تحت نظارت الکترونیکی آزاد شدند که از این تعداد چهل و یک درصد زنان واجد شرایط مشمول چنین حکمی شدند، در حالی‌که دادگاه‌ها صرفاً به بیست و چهار درصد از زندانیانِ مرد مستحق چنین امکانی را اعطاء کردند که علت آن احتمالاً در توجه دادگاه‌ها به مراقبت زنان جهت خودداری از محکومیت مجدد نهفته است که در ارزیابی‌های قضایی پیرامون ریسک اصدار چنین احکامی دخالت دارد (Carlen and Worrall, 2004: 144). در ایالات متحده نیز به رغم عدم تمایل چندان دادرسان به نهاد نظارت الکترونیکی، لکن در مورد جرائم کم اهمیت و مجرمان بی‌خطر به آن حکم می‌شود که گاهی همراه با حبس خانگی تعیین می‌شود (Tonry, 1999: 7 & 12)، و نظر بر ماهیت جرایم و شخصیت زنان بزهکار چنین امکانی در مورد آنها بیشتر متصور است.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز قرار دادنِ محکومان به حبسِ تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در جرایم تعزیری درجه پنج تا هشت طی ماده (۶۲) پیش‌بینی شده که این نهاد نیز ظرفیت مناسبی برای کاربست در مورد مجرمان زن را دارا است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳. جایگزینی حبس زنان بزهکار در فقه اسلامی

فقه اسلامی رویکرد حداقلی نسبت به مجازات حبس دارد و همان‌گونه که فقها نیز تصریح می‌نمایند اصل در انسان، آزادی او است و تنها در برخی موارد معین امکان سلب آزادی افراد وجود دارد (حسینی شیرازی، بی‌تا: ۳۲). در عرصه حدود این مجازات تنها در سه مورد تکرار سرقت در مرتبه سوم، ارتداد و نیز برخی صور خاص معاونت در قتل عمد پذیرفته شده است. در بستر مجازات‌های غیر مقدر بعضی اساساً بر این اعتقادند که اصل بر عدم جواز حبس به عنوان مجازات برای مطلق ارتکاب محرمات و ترک واجبات جز در موارد منصوص است. ایشان دلالت اغلب روایات بر حبس را به اعتبار اقدامی تأمینی جهت پیشگیری از تکرار بزه و معصیت از سوی مرتکب دانسته‌اند که ارتباطی با اجرای تعزیر ندارد (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۴۶ و ۵۵). تدقیق در روایات وارده این نکته را متبادر به ذهن می‌نماید حبسی که در ارتباط با جرایم تعزیری مطرح شده است، اصولاً به عنوان تدبیری پیشگیرانه یا بازداشت موقت و نه مجازات مطمح‌نظر بوده است؛ از این رو وجه جمع حبس را با مجازات حدی و تعزیری در همین نکته دانسته‌اند که اصولاً به عنوان مجازات بدان نگریسته نشده است (صافی گلپایگانی، بی‌تا: ۵۴).

نصوص ناظر بر حبس مرتکبین فحشا[1] و علمای فاسق، پزشکان جاهل و دارندگان مرکب کرایه‌ای (وسایل نقلیه) که مفلس هستند،[2] گواه بر تدبیر پیشگیرانه بودن اِعمال

---

۱ ر.ک. آیه شریفه ۱۵ سوره مبارکه نساء: «فأمسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت أو یجعل الله لهن سبیلا»؛ و نیز مفاد این روایت مشاهده شود: «عن عبدالله بن سنان عن أبی‌عبدالله – علیه‌السلام - قال جاء رجل إلی رسول‌الله – صلی الله علیه و آله و سلم - فقال إن أمی لا تدفع ید لامس، قال فأحبسها، قال قد فعلت، قال فامنع من یدخل علیها، قال قد فعلت قال فقیدها فإنک لا تبرها بشیء أفضل من أن تمنعها من محارم الله عزوجل»، (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۷۲-۷۳).

۲ «أحمد بن أبی عبدالله البرقی، عن أبیه، عن علیّ علیه‌السّلام قال: یجب علی الإمام أن یحبس الفسّاق من العلماء، و الجهّال من الأطبّاء، و المفالیس من الأکریاء ...» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج۶: ۳۱۹)؛ لازم به ذکر است برخی از فقها صراحتاً بر پیشگیرانه بودن حبس مطرح در روایت اخیر اشاره نموده‌اند، ابن سعید حلی در کتاب جامع للشرائع در

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حبس است. به عنوان مثال در تحلیل مفاد حکم ناظر بر حبس کرایه‌دهندگان مفلسِ وسایل نقلیه بیان شده که ممکن است حکم مذکور یا از آن جهت باشد که این افراد گاه به میزان اجرت معین شده اکتفا نکرده و به اموال مسافرین دستبرد می‌زنند، و یا به لحاظ نیازمندی مرکب و وسیله نقلیه به هزینه‌ها در بین مسیر و عدم توانایی صاحب آن بر تأمین هزینه‌ها باشد که سبب ایجاد زحمت و مشکلات برای مسافران می‌شود، لذا حبس مذکور یک نوع تدبیری است که از آسیب دیدن جامعه پیشگیری می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۷۵). نکته جالب توجه آن که حتی در خصوص جرایم موجب حد نیز رویکرد پیشگیرانه در حبس ملحوظ است، به گونه‌ای که فرضاً در روایات ناظر بر حبس سارق، صراحتاً بر هدف محافظت از جامعه از گزند بزهکاری وی تصریح شده است.[۱]

در برخی روایات نیز ظاهر حبسی که برای افراد تعیین شده است، نه به عنوان مجازات بلکه به مثابه‌ی توقیف احتیاطی و بازداشت موقت لحاظ شده است،[۲] مانند حبسی که برای افراد مدیونی که به رغم استطاعت، از پرداخت دین خویش امتناع می‌ورزند،[۳] حبسی که جهت الزام کفیل به آوردن مکفول صورت می‌پذیرد،[۴] حبسی که به منظور الزام به

این ارتباط می‌فرمایند: «کان أمیر المؤمنین علیه‌السلام یحبس جهّال الأطبّاء و مفالیس الأکریاء و فسّاق العلماء؛ حراسه منه للأدیان و الأبدان و الأموال» (ابن سعید حلی، ۱۴۰۵: ۵۶۸).

۱ مانند روایات زراره «... سألته (عن أبی‌جعفر علیه‌السلام) إن هو سرق بعد قطع الید و الرجل فقال أستودعه السجن أبدا و أغنی عن الناس شره»، (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۴: ۱۴۱)؛ و در روایت دیگری از حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام نقل شده که فرمودند «... فإن عاد خلد السجن و أجری علیه من بیت مال المسلمین و کف عن الناس»، (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۶۶).

۲ در برخی از آثار فقهی بر وجود ابعاد مذکور در قالب حبس تصریح شده است (صدر، ۱۴۲۰: ۱۱۵-۱۱۴)؛ قابل توجه آن که برخی اطلاق عنوان مجازات اعم از حد یا تعزیر را بر چنین مواردی صحیح نمی‌دانند (منتظری، ۱۴۱۷: ۳۴۵).

۳ «الأصبغ بن نباته عن أمیرالمؤمنین علیه‌السلام أنه قضی ... فی الدین أنّه یحبس صاحبه فإن تبین إفلاسه و الحاجه فیخلی سبیله حتّی یستفید مالا و قضی علیه‌السلام فی الرجل یلتوی علی غرمائه أنّه یحبس ثمّ یؤمر به فیقسم ماله بین غرمائه بالحصص فإن أبی باعه فیقسمه بینهم» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج۶: ۲۳۲).

۴ «عن إسحاق بن عمار عن جعفر عن أبیه علیه‌السلام أن علیا علیه‌السلام أتی برجل کفل برجل بعینه فأخذ بالمکفول فقال احبسوه حتی یأتی بصاحبه» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج۶: ۲۰۹).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تصمیم‌گیریِ ایلاءکننده‌ای که از طلاق یا رجوع به همسرش خودداری می‌نماید،[1] حبسی که برای فراری دهنده‌ی قاتل عمد از دست اولیای دم تا زمانی که قاتل تحویل داده شود در نظر گرفته شده است.[2] همچنین در مورد اتهام قتل عمد نیز، حبس متهم مورد تصریح قرار گرفته که در صورت عدم اثبات دعوا از سوی اولیای دم رها می‌شود، در مورد اخیر هنوز جرم اثبات نشده و لذا این حبس، نه مجازات، که نوعی بازداشت موقت است و اتفاقاً در اخبار، مدت آن شش روز معین شده است.[3]

از مجموع آنچه بیان گردید، می‌توان این نتیجه‌ی تتبع برخی از معاصرین را تأیید نمود که «زندان در اسلام به عنوان یک مجازات در نظر گرفته نشده بلکه جنبه‌ی مجازاتی آن بسیار کم‌رنگ است، یعنی زندان بیشتر از دید اسلام، از دید خوب اسلامی و مبنای اسلامی به عنوان یک پیشگیری و ضرورت مطرح است نه یک مجازات، و همین امر سبب شده که در متون ما و در احکام جزایی اسلام و مجازات‌های اسلامی و آنچه در فقه اسلام تبیین شده است و آن‌هایی که از منابع اسلامی به دست آمده است، زندان به عنوان یک مجازات مطرح نگردد مگر در موارد نادر. اگر انسان آن موارد را هم دقت کند و به جنبه‌ی غیر مجازاتی زندان، حالا چه تأدیبی و تربیتی باشد و چه پیشگیری باشد، توجه کند می‌بیند که برای حفظ جامعه از آسیب و جلوگیری از انتشار یک نوع مسایلی در جامعه است که مجازات زندان تعیین می‌شود و آن هم البته به عنوان ضرورت است» (هاشمی شاهرودی،

---

۱ «عن حماد بن عثمان، عن أبی عبدالله علیه‌السلام قال فی المؤلی إذا أبی أن یطلق، قال: کان أمیرالمؤمنین علیه‌السلام یجعل له حظیره من قصب و یحبسه فیها و یمنعه من الطعام و الشراب حتی یطلق» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۱: ۶۶۸-۶۶۷).

۲ «عن حریز عن أبی عبدالله علیه‌السلام قال سألته عن رجل قتل رجلا عمدا فرفع إلی الوالی فدفعه الوالی إلی أولیاء المقتول لیقتلوه فوثب علیهم قوم فخلصوا القاتل من أیدی الأولیاء؟ فقال: أری أن یحبس الذین خلصوا القاتل من أیدی الأولیاء حتّی یأتوا بالقاتل ...» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۴: ۳۱۸-۳۱۷)؛ برخی با استناد به روایت مزبور فتوا بر حبس بزهکار داده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱۵۵).

۳ «عن أبی عبدالله علیه‌السلام قال: إن النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم کان یحبس فی تهمه الدم سته أیّام، فإن جاء أولیاء المقتول ببینه، و إلّا خلی سبیله» (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱۴: ۵۳۷)؛ برخی مطابق این روایت فتوا بر بازداشت بزهکار داده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱۵۰).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۳۸۰: ۲۳-۲۲). از این‌رو باید موافق با این موضع بیان داشت که قانونگذار تا حد ممکن باید از تعیین مجازات حبس، جز در موارد منصوص، امتناع نماید زیرا زیان‌های فراوانی بر آن مترتب است (حسینی شیرازی، بی‌تا: ۳۳).

با توجه به اصل حداقلی بودن استفاده از حبس، به عنوان ضمانت اجرای کیفری برای بزهکاران در حقوق اسلام، طبعاً پذیرش جایگزین‌های حبس نه تنها با موازین اسلامی مغایرتی نداشته بلکه در راستای تطابق‌دهی بیشتر با موازین مزبور خواهد بود.

علاوه بر کلیت تأمل برانگیز بودن استفاده‌ی بیشینه از حبس در جامه‌ی مجازات باید توجه داشت در اسلام نسبت به زنان تأکید و حساسیت زیادی دیده می‌شود. قرآن کریم پیرامون مجازات زنان شوهرداری که مرتکب فحشا می‌شوند حکم حبس خانگی را مقرر فرموده‌اند،[1] امری که نشان می‌دهد چنین زنانی نباید در زندان‌های عمومی محبوس شوند. در اخبار وارده نیز بر حبس زنان نه در زندان عمومی، که مکان‌های خاص تصریح شده است (منتظری، ۱۴۰۹: ۴۵۶-۴۵۵). افزون بر دلالت ادله نقلی، برخی از فقها نیز تأکید نموده‌اند در تشکیلات زندان زنان باید مکان‌های مخصوصی در راستای رعایت وضعیت و مدارای با ایشان در نظر گرفته شود چرا که در روایات بر ظرافت طبیعت زن و لزوم برخورد متناسب تصریح شده است. ایشان بیان داشته‌اند زنان دارای فرزند خردسال باید امکان ارتباط با آنها را داشته و در صورت همراهی با فرزندان مکان‌های مخصوصی برای نگهداری آنها مشخص شود به نحوی‌که آزادی آنها در این اماکن تضمین شود (حسینی شیرازی، بی‌تا: ۱۴).

مجموع تتبع در مصادر شرعی و فقهی مفید این معنا هستند که در مورد زنان، اولاً کیفر حبس باید در کمترین سطحِ خود تجویز شود و ثانیاً در همین حد نیز می‌بایست به‌گونه‌ای مدیریت شود که خانواده و فرزندان در معرض آسیب قرار نگیرند و کمترین جدایی با جامعه برای ایشان حاصل شود.

---

۱ «و اللاتی یأتین الفاحشه من نسائکم ... فامسکوهن فی البیوت...»: سوره مبارکه نساء / آیه شریفه ۱۵.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه‌گیری

ناکامی در تحقق اهداف بازپروری و اصلاح مجرمان از طریق مجازات حبسی که از قرن هجدهم میلادی به صورت فراگیر در زرادخانه کیفری کشورهای مختلف وارد شده بود، در کنار هزینه‌ها و دیگر تبعات منفیِ آن موجب گرایش نظام‌های عدالت کیفری به سیاست حبس‌زدایی و شناسایی جایگزین‌های آن شد. تغییر رویکردِ مزبور به ویژه نسبت به برخی از اقشار که آسیب‌پذیریِ بیشتری نسبت به تحمل زندان دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

تحقیقات جرم‌شناختی در کشورهای مختلف ثابت نموده است که زنان در زمره‌ی کسانی هستند که حبس نسبت به ایشان نه فقط کارآمدی محسوسی نداشته بلکه در مقایسه با مردان، آثار سوء به مراتب شدیدتری بر ایشان برجای می‌گذارد. عدم تناسب ساختار مردانه‌ی زندان‌های رایج با شرایط و اقتضائات زنان به گونه‌ای که حریم خصوصی آنها را بیشتر در معرض تعرض قرار داده، در کنار محدودیت‌های فیزیکی‌ای که با روحیات آنها ناسازگار است، به‌علاوه تعداد کم‌تر و پراکندگی جغرافیایی زندان‌های زنان که چه بسا دورتر از خانه و خانواده‌ی آنها قرار دارند موجب تشدید سرخوردگی و تنزلِ اعتماد به نفس و احساس عزت، و بروز برخی اختلالات و مشکلات ناظر بر بهداشت روان زنانِ زندانی می‌شود که از عوامل دیگری مانند نحوه برخورد پرسنل زندان نسبت به آنها که غالباً ایشان را افرادی غیراجتماعی، فاقد شخصیت زنانه و با منش کودکانه توصیف می‌نمایند، نیز نشأت می‌گیرد. این جهات موجب شده نرخ خودآزاری و خودکشی در زندانیانِ زن بسیار بیش از زندانیانِ مرد شود، این در شرایطی است که اساساً زنان در خارج از محیط زندان کمتر از مردان به رفتارهای خشونت‌آمیز و خودکشی اقدام می‌کنند. نوع تلقی عمومی از زنِ زندانی که به عنوان فردی غیرطبیعی که مرتکب جرایم شدید شده است، نه تنها غالباً موجب نادیده‌انگاریِ نیازهای آنها می‌شود بلکه امکان بازپروری و بازگشت به آغوش جامعه را در ایشان دشوارتر می‌سازد به نحوی که برخی تحقیقات نشان از آن دارند که زندانیان زن به دلیل ترس، پس از آزادی درخواست باقی ماندن در زندان را داشته‌اند. تبعات زیان‌بار پیش‌گفته را باید به آثار سوء حبسِ زنان بر فرزندان خردسال آنها افزود به‌نحوی که موجب کاهش عزت نفس و انگیزه پیشرفت، اضطراب، رشد ضعیف وجدان، روابط ضعیف با هم‌سالان، سازگاری اجتماعیِ پایین‌تر، افسردگی،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بزهکاری، پرخاشگری، سوءمصرف مواد مخدر و دیگر مشکلات و اختلالات دیگر در چنین کسانی شده و خطر بزهکاری را در آنها بالا می‌برد.

باری، جهات فوق که متکی بر شواهد میدانی متعددی است که در کشورهای مختلف بررسی شده‌اند سبب شده تا هم‌سو با اسناد بین‌المللی نظیر قواعد بانکوک که طی قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل نیز تصویب شده است، نظام‌های کیفری ملی چه در بعد تقنینی و چه قضایی به سمت پذیرش تدابیر جایگزین حبس برای زنان گام بردارند. زنانی که اصولاً مرتکب جرایم جزیی شده و واجد خطر چندانی برای جامعه تصور نمی‌شوند. مقررات موضوعه جزایی در کشورهای مختلف نظیر ایران، انگلیس، ایالات متحده و فرانسه ظرفیت مناسبی برای به‌کارگیری جایگزین‌های حبس در خصوص زنان بزهکار دارند؛ چه این که آرای صادره از مراجع قضایی انگلیس به استناد ماده (۱۷۸) قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ گواه بر این مطلب است، و در کشور ما نیز مفاد ماده (۶۴) قانون مجازات اسلامی که وضعیت و شخصیت مجرم را در حکم به مجازات‌های جایگزین لازم-الرعایه دانسته، در کنار قابلیت تعمیم شرط «وضع خاص متهم» موضوع بند (ث) ماده (۳۸) به «زن» و همچنین «مادر» بودنِ مجرم به مثابه‌ی یکی از کیفیات تخفیف‌دهنده‌ای که شرط حکم به جایگزین‌ها است، این امکان را برای مراجع قضایی مهیا نموده است. با وجود این در انتخاب نوع جایگزین طیف گسترده‌ای از بدیل‌ها نظیر ضمانت‌اجراهای خودتنظیمی، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه، دوره مراقبت، نظارت الکترونیکی و حبس خانگی، نظام‌های آزادی مشروط و نیمه‌آزادی، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات و معافیت قضایی حسب مورد در نظام‌های عدالت کیفری در دسترس هستند که لازم است مراجع قضایی در گزینش آنها وضعیت زنان، رعایت حریم خصوصی و شئوناتِ ایشان، توانایی و شرایط خانوادگی و اجتماعیِ آنها را مطمح‌نظر قرار دهند تا بتوان بیشترین ثمره را از اجرای آنها تحصیل نمود.

در فقه اسلامی با توجه به خلاف اصل بودن سلب آزادی به نحوی که در حدود تنها در سه مورد با کیفر حبس روبه‌رو بوده و در تعزیرات برخی معتقدند چنین مجازاتی جز در معدود موارد منصوص نمی‌توان تجویز نمود که آن هم اغلب از جنبه احتیاطی و پیشگیرانه و نه به منزله‌ی کیفر با آن برخورد شده است، لذا می‌توان بر شناسایی و تعمیم بیشینه‌ی جایگزین‌های حبس به طور کلی صحه نهاد. به ویژه در مورد زنان که در ادله نقلی حبس

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ایشان در قالب مواردی چون حبس خانگی یا حبس در مکانی به جز زندان‌های عمومی مطرح شده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی [شیخ صدوق]، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ۲، ج۴.

۲. ابن سعید حلی، یحیی، ۱۴۰۵ق، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، چ۱.

۳. آشوری، محمد، ۱۳۹۴، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، انتشارات گرایش، چ۴.

۴. حسینی شیرازی، سید محمد، بی‌تا، الرسائل الثلاث، بی جا، بی نا، بی چا، ج۳.

۵. رهامی، محسن، ۱۳۸۳، عرفی شدن مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، در: مجموعه مقالات علوم جنایی، تهران، سمت، چ۱.

۶. صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا ، ۱۳۹۶، «زندگی پس از زندان، چالش های بازسازی برای زنان»، مجله پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ش۱۸.

۷. صافی گلپایگانی، لطف الله، بی‌تا، التعزیر: أحکامه و حدوده، قم، نشر مؤلف.

۸. صدر، سید محمد، ۱۴۲۰ق، ماوراء الفقه، بیروت، دار الاضواء للطباعه و النشر و التوزیع، چ۱، ج۹.

۹. طوسی [شیخ‌الطائفه]، محمدبن حسن،۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام،تهران،دار الکتب الإسلامیه، چ۴، ج۶.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۰.غلامی، حسین و افضلیان، مینا ، ۱۳۸۹، «رویکرد کیفرشناختی به مبانی و کیفیت توزیع مجازات‌ها در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش۱۶.

۱۱.کلینی، أبوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دارالحدیث للطباعه و النشر، چ۱، ج۱۱ و ۱۴.

۱۲.مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۵ق، تعزیر و گستره آن، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب علیه‌السلام، چ۱.

۱۳.منتظری، حسین علی، ۱۴۰۹ق، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه، قم، نشر تفکر، چ۲، ج۲.

۱۴.موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۲ق، مبانی تکمله المنهاج، قم، مؤسسه إحیاء آثار الامام الخوئی ره، چ۱، ج۴۲.

۱۵.هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۸۰، زندان: ضرورت نه مجازات؟، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات معاونت اجتماعی و اطلاع رسانی قوه قضاییه، چ۱.

۱۶.الهام، غلامحسین و برهانی، محسن، ۱۳۹۶، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ۳، ج۲.

۱۷.الهام، غلامحسین، ۱۳۹۱، «اعتماد به قاضی تحلیل ماده (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی بر مبنای نظریات فقهی شورای نگهبان»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش۵۷.

18. African Charter on the Rights of the Child, 1999, available at: <https://www.achpr.org/public/Document/file/English/achpr_instr_charterchild_eng.pdf> (last visited on 6/21/ 2021)
19. Agosín, Marjorie (2002), Women, Gender, and Human Rights: A Global Perspective, New Brunswick, Rutgers University Press.
20. Albrecht, Hans-Joerg (2012), Prison Overcrowding – Finding Effective Solutions: Strategies and Best Practices Against Overcrowding in Correctional Facilities, Munich, Max Planck Institute.
21. Ashworth, Andrew (2015), Sentencing and Criminal Justice, Cambridge, Cambridge University Press.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

22. Audi, C.A.F.; Santiago, S.M.; Andrade, M.G.G. and Francisco, P.M.S.B.; (2018), "Common mental disorder among incarcerated women: a study on prevalence and associated factors", Cien Saude Colet, Vol. 23, Issue. 11.
23. Carlen, Pat (1990), Alternatives to women's imprisonment, Milton Keynes, Open University Press.
24. Carlen, Pat and Worrall, Anne (2004), Analysing Women's Imprisonment, Devon,Willan Publishing.
25. Corabian, Gabriela; Appell, Ronda and Wormith, J. Stephen (2013), Female Offenders and Self-Harm: An Overview of Prevalence and Evidence-Based Approaches, Saskatchewan, Centre for Forensic Behavioural Science and Justice Studies: University of Saskatchewan, available at: <https://cfbsjs.usask.ca/documents/research/research_papers/ReviewOfSelfHarmInWomenOffenders.pdf> (last visited on 6/11/ 2021).
26. Corston, Jean (2007), The Corston Report: A review of women with particular vulnerabilities in the criminal justice system, London, Home Office (Building A Safe Just And Tolerant Society).
27. De Cou, Kate. «A gender-wise prison? Opportunities for, and limits to, reform», In: Carlen, Pat (2013). Women and Punishment: The Struggle for Justice, New York, Routledge.
28. Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, 27 August-7 September 1990, available at: <https://www.unodc.org/documents/congress/Previous_Congresses/8th_Congress_1990/028_ACONF.144.28.Rev.1_Report_Eighth_United_Nations_Congress_on_the_Prevention_of_Crime_and_the_Treatment_of_Offenders.pdf> (last visited on 6/21/ 2021)
29. Faith, Karlene. «Transformative Justice Versus Re-entrenched Correctionalism: The Canadian Experience», In: Cook, Sandy and Davies, Susanne (1999). Harsh Punishment: International Experiences of Women's Imprisonment, Boston, Northeastern University Press.
30. Fazel, Seena; Ramesh, Taanvi and Hawton, Keith (2017), "Suicide in prisons: an international study of prevalence and contributory factors", Lancet Psychiatry, Vol. 4, No. 12.
31. Gonzalez, Patricia; Romero, Tony and Cerbana, Christine B. (2007), "Parent Education Program for Incarcerated Mothers in Colorado", Journal of Correctional Education, Vol. 58, Issue. 4.
32. Hallevy, Gabriel (2013), The Right to Be Punished: Modern Doctrinal Sentencing, Heidelberg, Springer.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

33. Hawton, Keith; Linsell, Louise; Adeniji, Tunde; Sariaslan, Amir and Fazel, Seena; (2014), "Self-harm in prisons in England and Wales: an epidemiological study of prevalence, risk factors, clustering, and subsequent suicide", The Lancet, Vol. 383, Issue. 9923.
34. Kottler, Chris; Smith, Jared G. and Bartlett, Annie (2018), "Patterns of violence and self-harm in women prisoners: Characteristics, co-incidence and clinical significance", Journal of Forensic Psychiatry & Psychology, Vol. 24, No. 9.
35. Lund, Ryan; Hyde, Roberta; Kempson, Diane and Clarke, Pamela (2002), "Women's Needs After Release from Prison to a Rural Community", Journal of Correctional Health Care, Vol. 9, No. 3.
36. Maruschak, Laura M., Bronson, Jennifer and Alper, Mariel (2021), Bulletin: Survey of Prison Inmates, 2016: Parents in Prison and Their Minor Children (NCJ 252645), United States, U.S. Department of Justice: Bureau of Justice Statistics, available at: <https://bjs.ojp.gov/content/pub/pdf/pptmcspi16st.pdf> (last visited on 7/13/ 2021)
37. Moshenska, Ruby (2013), International good practice: Alternatives to imprisonment for women offenders, The Prison Reform Trust, available at: <http://www.prisonreformtrust.org.uk/Portals/0/Documents/Women/InternationalGoodPractice.pdf> (last visited on 5/7/ 2021).
38. Pathways to, conditions and consequences of incarceration for women (Note by the Secretary-General), Report of the Special Rapporteur on Violence against Women, its Causes and Consequences, 21 August 2013, available at: <https://digitallibrary.un.org/record/758207/files/A_68_340-EN.pdf> (last visited on 6/21/ 2021)
39. Stanton, Ann E; Kako, Peninnah and Sawin, Kathleen J (2016), "Mental Health Issues of Women After Release From Jail and Prison: A Systematic Review", Issues in Mental Health Nursing, Vol. 37, No. 5.
40. The Bangkok Rules: United Nations Rules for the Treatment of Women Prisoners and Non-custodial Measures for Women Offenders with their Commentary, available at: <https://www.unodc.org/documents/justice-and-prison-reform/Bangkok_Rules_ENG_22032015.pdf> (last visited on 6/29/ 2021)
41. The Council of Europe, Parliamentary Assembly Recommendation 1469, on Mothers and babies in prison, 2000, available at: <http://assembly.coe.int/nw/xml/xref/xref-xml2html-en.asp?fileid=16821&lang=en> (last visited on 6/30/ 2021)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

42. Teplin, Linda A.; Abram, Karen M. and McClelland, Gary M.; (2018), "Prevalence of psychiatric disorders among incarcerated women. I. Pretrial jail detainees", Archives of General Psychiatry, Vol. 53, Issue. 6.
43. Tonry, Michael (1999), "Community Penalties in The United States", European Journal on Criminal Policy and Research, Vol. 7, No. 1.
44. Tonry, Michael (2017), "Community punishments", Reforming criminal justice: A report of the Academy for Justice on bridging the gap between scholarship and reform, Vol. 4.
45. Vargés, Etienne (2005), Procédure Pénale, Paris, Lexis Nexi.
46. Zeng, Zhen and Minton, Todd D. (2021), Bulletin: Jail Inmates in 2019 (NCJ 255608), United States, U.S. Department of Justice: Bureau of Justice Statistics, available at: <https://bjs.ojp.gov/content/pub/pdf/ji19.pdf> (last visited on 7/10/ 2021).

Archive of SID.ir